

تمدید «قانون تحریم ایران» و نسبت آن با تعهدات برجام

مهدی شاپوری*

اشاره:

تمدید «قانون تحریم ایران» توسط کنگره آمریکا، به بحث‌های گسترده‌ای درباره نسبت این اقدام با تعهدات این کشور در «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) دامن زده است. در این نوشتار، ضمن بررسی مختصر این قانون، به استدلال‌های مختلفی که درباره تمدید آن مطرح شده است، به‌ویژه اینکه آیا تمدید این قانون نقض برجام است یا خیر، پرداخته خواهد شد. همچنین، تلاش می‌شود در مورد شیوه مناسب پاسخگویی به نقض یا تخلف از برجام از سوی طرف‌های مقابل ایران در این توافق، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، توضیحاتی ارائه گردد.

مقدمه

در سال ۱۹۹۶ کنگره آمریکا قانونی تحت عنوان «قانون تحریم ایران و لیبی»^۱ وضع کرد، که هدف اصلی آن، جلوگیری از سرمایه‌گذاری شرکت‌های غیرآمریکایی در حوزه نفت ایران و لیبی بود. بر اساس این قانون، سقف سرمایه‌گذاری در صنعت نفت این دو کشور ۴۰ میلیون دلار تعیین شد.^۲ قانون مذکور می‌گوید هر شرکت خارجی که این قاعده را نقض کند، با تحریم‌های آمریکا مواجه خواهد شد. در سال ۲۰۰۶ تحریم‌های این قانون علیه لیبی لغو شد و بنابراین، به «قانون تحریم ایران»^۳ تغییر نام

1. Iran and Libya Sanctions Act

۲. یک سال پس از تصویب این قانون، وقتی متحدان آمریکا از پیوستن به یک رژیم چندجانبه تحریمی علیه ایران سر باز زدند، به‌موجب ماده d بخش ۴ این قانون، آستانه سرمایه‌گذاری در نفت ایران از ۴۰ میلیون دلار به ۲۰ میلیون دلار تنزل پیدا کرد. اما برای لیبی تغییری ایجاد نشد و همان ۴۰ میلیون دلار باقی ماند.

3. Iran Sanctions Act

داد. با افزایش تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای ایران، کنگره آمریکا با انجام اصلاحیه‌هایی در این قانون، گستره و شدت تحریم‌ها علیه ایران را تشدید کرد. با شکل‌گیری توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، اجرای بخش‌های مربوط به تحریم‌های هسته‌ای قوانین تحریمی کنگره آمریکا علیه ایران متوقف شد. مهلت قانونی اجرای «قانون تحریم ایران»، ده ساله است و بعد از پایان هر ده سال، نیاز به تمدید دارد. اگر تمدید نشود، به‌صورت خودکار لغو می‌گردد. بر اساس زمان‌بندی اجرای این قانون، پایان دسامبر سال جاری میلادی، مهلت اجرای آن خاتمه می‌یابد.

بر این اساس، کنگره آمریکا با اجماع آراء اقدام به تمدید این قانون کرد و بدون امضای رئیس‌جمهور، برای ده سال دیگر این قانون تمدید شد. استدلال کنگره این است که باید زیرساخت‌های تحریم علیه ایران حفظ شوند، تا در صورت نقض برجام توسط این کشور، تحریم‌های تعلیق‌شده به صورت سریع دوباره برقرار شوند. تمدید «قانون تحریم ایران» توسط کنگره آمریکا موجی از واکنش‌ها را به‌ویژه در ایران به‌دنبال داشته است. بحث عمدتاً بر سر این است که آیا این تمدید، نقض توافق برجام است یا خیر؟ در میان مقامات ایرانی این اجماع وجود دارد که در صورت تمدید

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

این تحریم‌ها توسط رئیس جمهوری آمریکا، نقض برجام رخ داده است. البته برخی نیز معتقدند روح برجام نقض شده است و تنها در صورتی که این تحریم‌ها به اجرا گذاشته شود، نقض خود برجام اتفاق می‌افتد؛ یعنی اگر دولت آمریکا تحریم‌هایی را که به موجب برجام تعلیق کرده است، دوباره به اجرا بگذارد، اقدام به نقض برجام کرده است. در این نوشتار، ابتدا توضیح مختصری در مورد «قانون تحریم ایران» ارائه می‌شود؛ سپس، به بحث‌ها و استدلال‌هایی که درباره نسبت تمدید این قانون با تعهدات برجام مطرح شده است، اشاره خواهد شد.

اجماع نسبی که در کشور درباره تمدید «قانون تحریم ایران» شکل گرفت، می‌تواند هشداری به طرف مقابل و به‌ویژه دولت آینده آمریکا باشد؛ مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران به‌صورت یکپارچه در درون، با نقض برجام برخورد خواهد کرد و این‌گونه نیست که این توافق بتواند حربه فشاری بر کشورمان باشد.

با توجه به اهمیت راهبردی برجام برای منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و با در نظر گرفتن این پیش‌فرض که در آینده نیز احتمالاً تنش‌هایی بر سر اجرای تعهدات این توافق ایجاد خواهد شد، شیوه مناسب برخورد جمهوری اسلامی ایران در این مورد و به‌ویژه در مواردی که ظن نقض برجام از سوی طرف مقابل وجود دارد، تبیین می‌گردد.

قانون تحریم ایران؛ از قانونی مرده تا قانونی سخت‌گیرانه
تحریم حد واسطه جنگ و بی‌عملی است؛ یعنی در شرایطی که دولتی یا دولت‌هایی بخواهند بدون درگیری نظامی، دولت دیگری را به خاطر رفتار یا سیاست خاصی و برای تغییر آن رفتار یا سیاست تحت

فشار قرار دهند، به تحریم روی می‌آورند. در واقع، تحریم یکی از مکانیزم‌های «تغییر توازن میان هزینه‌ها و منفعت‌های انواع خاصی از رفتارها و رویکردها در سیاست خارجی» است. هدف تحریم، افزایش هزینه‌های کشور هدف^۱ و کاهش منفعت‌های تعقیب عمل خاصی توسط آن است. از این جهت، تحریم‌کننده یا تحریم‌کنندگان معمولاً بر این باور هستند که «در صورتی که شما بتوانید محاسبات هزینه-فایده رهبران یک دولت را دستکاری کنید، می‌توانید شیوه رفتار آنها را تغییر دهید». در واقع، فرض بر این است که دولت‌ها، بازیگرانی عقلانی و به دنبال بیشینه‌سازی مطلوبیت^۲ خود هستند و در چنین شرایطی «اگر شما مقداری هزینه به آن‌ها تحمیل کنید، تجدیدنظر خواهند کرد».

از زمان بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران تا کنون، به‌جز فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ (یعنی از توافق الجزایر برای آزادی گروگان‌ها تا زمانی که آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار داد)، جمهوری اسلامی ایران به بهانه‌های مختلف از جمله حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر، بی‌ثبات‌سازی منطقه، برنامه هسته‌ای و برنامه موشکی تحت تحریم ایالات متحده بوده است. در این میان، یکی از قوانین تحریمی مهم آمریکا علیه کشورمان، «قانون تحریم‌های ایران و لیبی» یا «قانون داماتو» مصوب کنگره این کشور در سال ۱۹۹۶ است. اهمیت این قانون بیشتر به دلیل فراسرزمینی بودن آن است. در واقع

1. Targeted country
2. utility-maximizing

قانون بودند نه شرکت‌های آمریکایی؛ چون شرکت‌های آمریکایی قبلاً در تحریم‌های سال ۱۹۸۷ آمریکا علیه ایران، که در ماه مه ۱۹۹۵ سخت‌تر نیز شده بود، از هرگونه سرمایه‌گذاری جدید در ایران منع شده بودند. به موجب قانون داماتو، سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در نفت ایران و لیبی ممنوع شد. این قانون، برای نقض‌کنندگان، مجازات‌های زیر را در نظر گرفته است که رئیس‌جمهور می‌تواند دو یا چند مورد از آن‌ها را علیه نقض‌کننده در نظر بگیرد:

- ۱- جلوگیری از کمک بانک صادرات و واردات آمریکا برای صدور هر نوع کالا و فناوری به شرکت مورد تحریم؛^۲
- ۲- محرومیت از پروانه مخصوص صادرات ویژه شرکت‌های آمریکایی برای صدور هر نوع کالا یا خدمات فناوری به شخص مورد مجازات؛^۳
- ۳- منع مؤسسات مالی آمریکا از اعطای وام بیش از ده میلیون دلار در سال به شخص مورد مجازات؛^۴
- ۴- محروم کردن مؤسسه مالی مورد مجازات به‌عنوان معامله‌گر عمده اوراق دولت آمریکا، یا عرضه خدمت به‌عنوان امانت‌دار وجوه دولتی؛^۵
- ۵- ممنوعیت حکومت آمریکا از خرید اقلام یا خدمات از شخص مورد مجازات؛^۶
- ۶- منع واردات از شخص مورد تحریم، بر اساس قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی. قانون داماتو، شرط پایان یافتن تحریم‌های این قانون علیه ایران را این‌گونه بیان کرده است: اگر رئیس‌جمهور آمریکا تشخیص دهد و به کمیته‌های ذیربط کنگره اطلاع دهد که:

- ۱- ایران از تلاش‌های خود برای طراحی، تولید، توسعه، ساخت یا دسترسی به: (الف) ادوات انفجار هسته‌ای یا مواد فناوری مربوط به آن؛ (ب) تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی؛ (پ) موشک‌های بالستیک و فناوری پرتاب موشک بالستیک، دست برداشته است؛^۲
- ۲- از فهرست کشورهای که حکومت‌های‌شان بنا به اهداف بخش ۶ (j) قانون سال ۱۹۷۹ اداره صادرات، بارها به فعالیت‌های تروریسم بین‌المللی کمک کرده‌اند، خارج شده است؛^۳
- ۳- هیچ تهدید اساسی متوجه امنیت و منافع آمریکا و متحدانش نمی‌کند.^۴

۲. این ماده در نسخه اولیه «قانون تحریم ایران و لیبی» نبود و بر اساس «قانون حمایت از آزادی ایران» (Iran Freedom Support Act) مصوب ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶ کنگره، اضافه شده است.

«با تصویب قانون تحریم‌های ایران و لیبی، آمریکا بعد جدیدی به اقدامات تحریمی خود افزود و آن عبارت بود از تنبیه شرکت‌های خارجی که در ایران یا لیبی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این شیوه، افراطی‌ترین شکل اجرای فراسرزمینی قوانین آمریکاست، که تا آن زمان این کشور به آن مبادرت کرده بود». هدف قانون تحریم ایران و لیبی، عبارت است از: ممانعت از سرمایه‌گذاری در توسعه^۱ منابع نفتی این دو کشور، به‌منظور محروم کردن آن‌ها از دسترسی به منابع ملی، در راستای جلوگیری از گسترش تسلیحات کشتار جمعی و اقدامات تروریسم بین‌المللی توسط این دو کشور.

سناتور داماتو، طراح اصلی این قانون، در زمان طرح این قانون معتقد بود: «نفت رگ حیاتی ایران است. اگر ما بخواهیم حکومت ایران را متقاعد کنیم که از تلاش‌های خود برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای دست بردارد و حمایت خود از تروریسم بین‌المللی را قطع کند و به نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران پایان دهد، باید امکانات مالی آن را قطع کنیم. بقیه دنیا نیز باید در قطع توان مالی ایران مشارکت کنند». قانون داماتو ابتدا تنها علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی شده بود، اما در مرحله تصویب آن در سنا، سناتور ادوارد کندی با استناد به انفجار پرواز ۱۰۳ هواپیمای پان‌امریکن در آسمان لاکربی و خودداری حکومت قذافی از تحویل متهمان این حادثه تروریستی، اصلاحیه‌ای به آن افزود، که لیبی را نیز مشمول این تحریم‌ها کرد. شرکت‌های غیرآمریکایی هدف اصلی این

۱. در این قانون، منظور از «توسعه»، هرگونه اکتشاف، استخراج، پالایش و انتقال با لوله منابع انرژی ذکر شده است.



حتی نزدیک‌ترین متحدان آمریکا نیز از آن پیروی نکردند. اتحادیه اروپا با وضع مقرراتی در راستای مسدودسازی قانون داماتو و هلمز- برتون اقدام نمود؛ مقرراتی که می‌گفت: «هیچ شخصی نباید مستقیماً یا از طریق شرکت‌های فرعی یا دیگر شرکت‌های واسطه، از طریق فعل یا ترک فعل، عمداً شرایط یا ممنوعیت‌های مندرج در این قوانین را متابعت کند، حتی اگر دادگاه‌های خارجی مستقیماً یا غیرمستقیم با توسل به این قوانین حکم صادر کرده باشند». نوع برخورد اروپایی‌ها با قانون داماتو به اندازه‌ای تند و بی‌پرده بود که نیکولاس برنز، سخنگوی وقت وزارت خارجه آمریکا، با پرخاشگرانه توصیف کردن واکنش اتحادیه اروپا به این قانون، ابراز امیدواری کرد که اتحادیه اروپا و آمریکا بتوانند «با آرامش در این مورد گفتگو کنند و اجازه ندهند که ایران از اختلافات کشورهای غربی بهره‌برد... توجه‌ها باید بر هدف‌های این قانون متمرکز پیدا کند، نه آنکه متوجه خود ما باشد».

سه روز بعد از امضای قانون داماتو توسط کلینتون، دولت ترکیه به نخست‌وزیری نجم‌الدین اربکان با ایران توافق کرد که با احداث خط لوله‌ای ۱۹۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار از ایران خریداری کند. همچنین در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۷ توتال فرانسه با مشارکت گازپروم روسیه و پتروناس مالزی، قراردادی دو میلیارد دلاری برای سرمایه‌گذاری در توسعه میدان گازی پارس جنوبی امضا کرد. در نهایت با فشارهای متحدان، رئیس‌جمهور آمریکا ناچار شد عملاً به صورت موقت، ایران را از شمول قانون داماتو کنار بگذارد.

با افزایش تنش‌های هسته‌ای میان ایران و آمریکا بعد از ۲۰۰۵ و نزدیک‌شدن دیدگاه‌های اروپا، چین و روسیه به واشینگتن در برخورد با ایران، فضا برای نه تنها اجرای این قانون، بلکه تشدید گستره و شدت آن فراهم شد. در سال ۲۰۰۶ کنگره بر اساس «قانون حمایت از آزادی ایران»، اصلاحاتی در «قانون تحریم ایران و لیبی» ایجاد کرد و سخت‌گیری‌ها بر جمهوری اسلامی ایران را بیشتر کرد. در همین سال، لیبی از شمول این قانون کنار گذاشته شد و بنابراین «قانون تحریم ایران و لیبی» به «قانون تحریم ایران» تغییر نام داد. گسترش و تشدید فضای امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران باعث شد شورای امنیت از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ مجموعاً شش قطعنامه شامل چهار قطعنامه تحریمی ذیل فصل هفت منشور ملل متحد

علیه جمهوری اسلامی ایران وضع کند؛ که هیچ‌کدام از اعضای دائم شورای امنیت، حتی یک مرتبه به این قطعنامه‌ها رأی ممتنع نیز ندادند.

نه تنها پنج عضو دائم شورای امنیت به همه این قطعنامه‌ها رأی مثبت دادند، بلکه هیچ‌کدام به ۱۰ قانون تحریمی با کارکرد فراسرزمینی آمریکا علیه ایران که از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ تصویب و اجرا شدند، اعتراض جدی نیز نکردند. فرانسه و آلمان به عنوان محور اروپای قدیم و منتقد سیاست‌های واشینگتن و به تعبیر دونالد رامسفلد، وزیر دفاع اسبق آمریکا، «دو مشکل» در برابر سیاست‌های تهاجمی آمریکا، به همراه بریتانیا پیش‌نویس اولین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران (۱۶۹۶) را فراهم نمودند. کنگره آمریکا که در چنین فضایی، دست خود را در تحریم ایران باز می‌دید، در سال ۲۰۱۰ «قانون تحریم جامع ایران، پاسخگویی و کاهش سرمایه‌گذاری ۲۰۱۰»^۱ را به منظور گسترش تحریم‌های «قانون تحریم ایران» تصویب کرد. با اصلاحیه‌هایی که بر اساس «قانون تحریم جامع ایران، پاسخگویی و کاهش سرمایه‌گذاری ۲۰۱۰» ایجاد شد، تحریم‌های «قانون تحریم ایران» گسترده‌تر شد و حوزه‌هایی مانند گاز، بیمه، کشتیرانی، پتروشیمی، نقل و انتقالات بانکی، معامله ارز و نقل و انتقال دارایی‌ها نیز به تحریم‌های آن افزوده شد. به این ترتیب، قانون تحریم ایران، که به نظر برخی «مرده به دنیا آمد»، به قانون تحریمی بسیار سنگینی علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و عملاً بخش‌های مختلفی از اقتصاد کشورمان را به شدت

1. CISADA (Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010)

فاحش برجام خواهد بود و پاسخ قاطعانه ما را به دنبال دارد. حتی امضای آن توسط رئیس جمهور آمریکا را خلاف تعهدات آمریکا می‌دانیم و این اتفاق با عکس العمل مقتضی ما مواجه می‌شود». رئیس جمهور در مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه تهران نیز عنوان کرد: «آنها [آمریکایی‌ها] ممکن است در روند برجام تخلف کنند که مورد اخیر، تمدید قانون داماتو یا ایسا^۱ بود که برخلاف برجام انجام شد. اگر این موضوع اجرایی شود، نقض فاحش و صریح برجام است و با عکس العمل بسیار تند ما مواجه خواهد شد».

بهتر آن است که پاسخ جمهوری اسلامی ایران به نقض برجام از سوی طرف مقابل، در درجه اول در چارچوب مکانیزم‌های طرح‌شده در برجام پیگیری شود؛ این امر باعث می‌شود مشروعیت اقدامات بعدی ایران بالا برود و در عوض، از مشروعیت اقدامات نقض‌کننده کاسته خواهد شد.

دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز در واکنش به تمدید این قانون گفت: «تمدید تحریم‌ها در شرایط پسابرجام به نوعی لگزدن به توافق برجام است». وی همچنین هشدار داد که «در صورت نقض برجام از سوی طرف مقابل، بسته اقدامات فنی پیش‌بینی شده به عنوان پاسخ به سرعت اعمال خواهد شد». واکنش وزیر امور خارجه هم این گونه بوده است: «کاری که کنگره آمریکا کرده است در صورتی که به امضای رئیس جمهور آمریکا هم برسد، اثر اجرایی ندارد». آقای ظریف همچنین اعلام کردند: «همان‌طور که در گذشته مقامات آمریکایی موظف بودند اجرای تحریم‌ها را متوقف کنند، اکنون هم اجرا متوقف است و شرایط برای کشورهای ثالث تفاوتی ندارد». از همه این سخنان مقامات ارشد درگیر در سیاست خارجی ایران، می‌توان این نتیجه را گرفت که

تحت تأثیر قرار داد. با شکل‌گیری توافق برجام، اجرای بخش‌های مهمی از این قانون متوقف شده است. در واقع، در برجام آمریکا متعهد شده است تحریم‌های مرتبط با مسئله هسته‌ای کنگره علیه جمهوری اسلامی ایران را تا ۸ سال پس از روز پذیرش این توافق، متوقف کند و سپس رئیس جمهور این کشور باید تلاش کند در کنگره این تحریم‌ها را لغو کند.

تمدید قانون تحریم ایران و واکنش‌ها به آن

تمدید «قانون تحریم ایران» واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشته است. این واکنش‌ها عمدتاً از سوی مقامات کشورمان بوده است. رهبر معظم انقلاب، در مورد تمدید این قانون فرمودند: «اگر این تمدید، اجرایی و عملیاتی شود، قطعاً نقض برجام است و بدانند جمهوری اسلامی ایران حتماً در مقابل آن واکنش نشان خواهد داد». رهبر معظم انقلاب همچنین در دیدار ۷ آذر با فرماندهان و مسئولان نیروی دریایی ارتش نیز عنوان کردند: «شروع کردن یک تحریم با دوباره شروع کردن آن پس از پایان زمانش، فرقی نمی‌کند و این دومی نیز تحریم و نقض تعهدات قبلی از سوی طرف مقابل است». رئیس جمهور نیز در جریان سخنرانی خود در صحن علنی مجلس در ۱۴ آذر در واکنش به تمدید «قانون تحریم ایران» گفت: «مصوبه اخیر کنگره آمریکا با برجام مغایرت داشته و ناقض آن است. لذا رئیس جمهور آمریکا موظف است با استفاده از اختیارات خود از تأیید و اجرای آن جلوگیری کند». روحانی همچنین اعلام کرد: «چنانچه این مصوبه اجرا شود، نقض

آن‌ها تمدید «قانون تحریم ایران» توسط کنگره آمریکا را تنها در صورتی که قرار باشد تحریم‌های جدیدی را علیه کشورمان اعمال کند یا تحریم‌هایی که بر اساس برجام متوقف شده است را دوباره به اجرا بگذارد، نقض صریح یا فاحش برجام می‌دانند و مصمم هستند به چنین نقضی پاسخ قاطع بدهند. البته آن‌ها این تمدید را تخلف از برجام می‌دانند و از فحوی کلام‌شان می‌شود این برداشت را نمود که آن‌ها این تمدید را بیشتر مغایر با روح برجام می‌دانند و تأکیدشان بر غیرقابل اعتماد بودن آمریکا نیز در این راستا قابل درک است.

نباید ناخواسته به هراس از نقض
برجام دامن زده شود؛ هراس از نقض
برجام، مانع تعامل و همکاری‌های
مالی، بانکی و اقتصادی با کشورمان
می‌شود؛ ضمن آنکه دامن‌زدن به
هراس از نقض برجام، ممکن است
خواست دشمنان و بدخواهان ایران
باشد.

زمان ممکن، در صورتی که جمهوری اسلامی ایران برجام را نقض کند، حفظ می‌کند. تلاش جمهوری خواهان کنگره بر این بود که تحریم‌های جدیدی به قانون تحریم‌های ایران اضافه شود، که با مخالفت دموکرات‌ها هیچ تحریم جدیدی وضع نشد و این قانون به همان شکل سابق تمدید شد. دولت آمریکا نیز هرچند اعلام کرد که نیازی به تمدید این تحریم‌ها نیست و رئیس جمهور اختیار کافی برای وضع تحریم علیه ایران در هر زمانی را دارد، اما با توجه به اجماع کنگره بر سر تمدید قانون تحریم‌های ایران، عقب‌نشینی کرد و سخنگوی کاخ سفید در این باره اعلام کرد: «از آنجایی که این مصوبه توافق را تضعیف نمی‌کند و برخلاف برجام نیست، رئیس جمهور قصد دارد آن را امضا کند». با وجود این، مصوبه کنگره عملاً پس از ده روز بدون امضای رئیس جمهور آمریکا قانونی شد. عدم امضای این قانون توسط رئیس جمهوری آمریکا و اعلام وزارت خارجه این کشور مبنی بر اینکه اجرای بندهای مرتبط با موضوع هسته‌ای این قانون براساس برجام همچنان تعلیق خواهد شد می‌تواند به معنای آن باشد که اراده دولت آمریکا در اجرای برجام با اقدامات کنگره متفاوت است.

تمدید «قانون تحریم ایران» و تعهدات برجام

در مورد تمدید «قانون تحریم ایران» و نسبت آن با تعهدات برجام، به نظر می‌رسد باید دو نکته را در نظر گرفت. اولاً: تحریم‌های کنگره علیه ایران در بحث

برخی واکنش‌ها به تمدید «قانون تحریم ایران» نیز عمدتاً کارکرد و ماهیت سیاسی داشته است و گروه‌های مخالف و منتقد برجام تلاش کردند از فضای موجود برای پیشبرد اهداف خود و همچنین انتقاد به حریف، و در برخی موارد حتی تخریب آن، بهره ببرند. در پیش‌بودن انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم نیز به چنین فضایی دامن می‌زدند. به هر حال، نمی‌توان این مسئله را انکار کرد که برخی از افراد و گروه‌ها، به برجام به‌عنوان موضوعی ملی نگاه نمی‌کنند و بیشتر تمرکزشان بر بهره‌برداری سیاسی و جناحی از این توافق است. البته بدون تردید عده‌ای نیز دغدغه منافع و مصالح ملی را دارند و نسبت به احتمال ضربه خوردن منافع ملی حساس هستند. در آمریکا، کنگره معتقد است تمدید قانون تحریم‌های ایران، زیرساخت لازم را برای برگرداندن تحریم‌ها در سریع‌ترین

هسته‌ای تعلیق شده‌اند و تنها ۸ سال پس از زمان پذیرش برجام، رئیس‌جمهور آمریکا تلاش خواهد کرد از طریق کنگره آن‌ها را لغو کند؛ ثانیاً: بخش‌هایی از این تحریم‌ها که مربوط به ادعاها و اتهام‌های غیرهسته‌ای آمریکایی‌ها علیه کشورمان است (مانند اتهام‌ها در مورد حمایت ایران از تروریسم، توسعه برنامه موشکی بالستیک توسط کشورمان و ادعاهای نقض حقوق بشر)، اساساً نه اجرای‌شان تعلیق شده و نه قرار است بر اساس برجام لغو شوند. بر این اساس، قانون تحریم ایران هشت سال پس از پذیرش برجام لغو نخواهد شد؛ بلکه مفادی از آن که طبق برجام تعلیق شده‌اند، لغو می‌شود؛ البته اگر در این مدت در روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا اتفاقی رخ ندهد و شرط‌های کنگره برای لغو قانون تحریم‌های ایران، که در بالا به آن‌ها اشاره شد، برآورده نشوند. از این منظر، این استدلال که تمدید ده ساله قانون تحریم‌های ایران نقض برجام است، بر اساس مفاد برجام، چندان قابل ارجاع و استناد نیست. از این رو موضوع تحریم‌های غیرهسته‌ای علیه کشورمان را باید بحثی جداگانه دانست؛ چون در مذاکرات هسته‌ای تمرکز صرفاً بر مسئله هسته‌ای بود و مذاکره‌کنندگان اجازه مذاکره درباره موضوعات دیگر را نداشتند.

البته درباره تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، چون بحث لغو این قطعنامه‌ها و صدور قطعنامه جدیدی در شورای امنیت مطرح بود، طرفین ناچار شدند در مورد انتقال این تحریم‌ها به قطعنامه جدید

مذاکره کنند؛ که در نهایت نیز بر اساس قطعنامه جدید (۲۲۳۱) قرار بر این شده است طی پنج و هشت سال آینده، این تحریم‌ها به‌طور کلی لغو شوند. در مجموع، بر اساس برجام، آمریکا متعهد شده است اجرای تحریم‌های کنگره علیه ایران در رابطه با مسئله هسته‌ای را تا هشت سال پس از روز پذیرش برجام متوقف کند و بعد از هشت سال نیز، همان‌گونه که عنوان شد، رئیس‌جمهور این کشور باید تلاش کند این تحریم‌ها را از طریق کنگره لغو کند. هر اقدامی خلاف این چارچوب، نقض برجام است و می‌تواند پیامدهای زیادی برای نقض‌کننده داشته باشد. در چارچوب برجام، سازوکار برخورد با نقض این توافق پیش‌بینی شده است. کمیسیون مشترک برجام مهم‌ترین سازوکار طراحی شده برای این منظور است. در صورت ظن نقض برجام توسط یکی از طرف‌های آن، طرف مقابل می‌تواند موضوع را به کمیسیون مشترک ارجاع دهد. در آنجا در مورد موضوع مورد نظر بحث خواهد شد و تصمیمات با اجماع آراء طرفین برجام اتخاذ می‌شود.

هرچند شرط اجماعی بودن تصمیمات ممکن است به ضرر جمهوری اسلامی ایران باشد، اما باید توجه داشت که سود و زیان آن برای همه طرف‌های برجام وجود دارد؛ برای نمونه، مانع از آن می‌شود که آمریکا و متحدان اروپایی آن هر تصمیمی را اتخاذ کنند که این مسئله بسیار مهمی به شمار می‌آید.

روش مناسب پاسخ به نقض برجام

اجماع نسبی که در کشور درباره تمدید «قانون تحریم ایران» شکل گرفت، می‌تواند هشدار به طرف مقابل و به‌ویژه دولت آینده آمریکا باشد؛ مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی ایران به‌صورت یکپارچه در درون، با نقض برجام برخورد خواهد کرد و این‌گونه نیست که این توافق بتواند حربه فشاری بر کشورمان باشد. همچنین، این مهم است که اجرای توافق برجام به‌درستی و بر اساس تعهدات این توافق جلو برود. سست شدن اجرای این توافق، می‌تواند بسیار خطرناک باشد و از این جهت، جمهوری اسلامی ایران باید بر اجرای قاطعانه آن پافشاری کند و اراده لازم برای به کارگیری گزینه‌های مختلف را در شرایط گوناگون داشته باشد. البته عقلانیت، منطق و دوراندیشی جزء جدایی‌ناپذیر هر حرکت موفق در این راستاست. بر این اساس، چند نکته را باید در نظر



داشت. نخست اینکه بهتر است وقتی ظن نقض برجام توسط طرف مقابل وجود دارد، مواضع مقامات کشورمان دقیق‌تر و بر مبنای تعهدات برجام و با استناد به مفاد این توافق باشد. در این صورت، مواضع ایران بهتر شنیده خواهد شد و طرف‌های دیگر برجام، بهتر با ایران همکاری خواهند کرد.

اگر این گونه نباشد، ممکن است نسبت به مواضع کشورمان نوعی بی‌اعتمادی ایجاد شود و در بلندمدت، زیان‌هایی متوجه ایران شود. برای نمونه، ممکن است طرف‌های دیگر برجام گمان کنند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال بهانه‌جویی برای کنار گذاشتن برجام است. بحث دیگر این است که احتمال نقض برجام و برهم خوردن آن، یکی از موانع همکاری بانک‌های بزرگ و مؤسسات مالی با کشورمان و همچنین سرمایه‌گذاری در ایران است؛ در چنین شرایطی، باید توجه داشت ناخواسته در راستای ضربه‌زدن به خودمان پیش نرویم. واکنش ایران به اقدامات طرف مقابل نباید به هراس از نقض برجام دامن بزند. شاید این چیزی باشد که دشمنان کشورمان به دنبال آن هستند. از این به بعد و در دوران دولت آینده آمریکا، بیشتر باید به این مسئله توجه داشت. نکته سوم این است که به نظر می‌رسد بهتر است پاسخ جمهوری اسلامی ایران به نقض برجام از سوی طرف مقابل، در درجه اول در چارچوب مکانیزم‌های طرح شده در برجام پیگیری شود. این باعث می‌شود مشروعیت اقدامات بعدی ایران بالا برود و در عوض، از مشروعیت اقدامات نقض‌کننده کاسته خواهد شد. برای نمونه، اگر آمریکا برجام را نقض کرد، جمهوری اسلامی ایران باید ابتدا سعی کند اجماع دیگر طرف‌های برجام را علیه اقدام آمریکا ایجاد کند و بعد از آن در مورد خروج از این توافق تصمیم بگیرد. این مسئله بسیار مهمی است و اگر در این مورد کوتاهی شود، ممکن است ضربه‌های جبران‌ناپذیری متوجه منافع کشورمان شود.

نتیجه‌گیری

برجام متن یا توافق مقدسی نیست، بلکه معامله‌ای بر مبنای مصالحه است؛ که دستاوردها و فرصت‌هایی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است و در مقابل، محدودیت‌هایی نیز بر صنعت و فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان وضع کرده است. اگر این توافق پا برجا بماند و ایران از آن منتفع شود، دلیلی برای اجرانکردن آن

وجود ندارد و در مقابل، در صورتی که طرف مقابل در راستای نقض این توافق گام بردارد، دلیلی برای مقاومت نکردن در برابر آن وجود ندارد و قطعاً باید همه گزینه‌های محتمل و ممکن را بر اساس مصلحت کشور و منافع ملی در نظر گرفت. در این راستا، این نکته مهم است که جمهوری اسلامی ایران چگونه باید با اقدام ناقض برجام برخورد کند. به نظر می‌رسد در این مورد چند نکته را باید در نظر گرفت: ۱- اظهارنظر در مورد نقض برجام از سوی مقامات ارشد کشورمان باید مستند به مفاد برجام باشد. در واقع، چون سخنان مقامات سیاسی به عنوان مواضع رسمی کشور انعکاس پیدا می‌کنند، باید دقیق و مستند باشد. در غیر این صورت، اعتبار کشور آسیب می‌بیند و در درازمدت، این مسئله زیان‌هایی را در پی خواهد داشت؛ ۲- اولویت ایران در واکنش به نقض برجام باید عمل بر اساس مکانیزم‌های طراحی شده در این توافق باشد. با این کار، مشروعیت اقدام متقابل ایران افزایش می‌یابد و امکان اجماع علیه کشورمان کاهش خواهد یافت؛ ۳- باید توجه داشت که ناخواسته به هراس از نقض برجام دامن زده نشود. هراس از نقض برجام، مانع تعامل و همکاری‌های مالی، بانکی و اقتصادی با کشورمان می‌شود. دامن زدن به هراس از نقض برجام، ممکن است خواست دشمنان و بدخواهان ایران باشد.

